

اعتراض

امیرفیض- حقوقدان

در ایمیل های ارسالی به جاوید ایران ایمیلی بود که موضوع آن اعتراض به شاهنشاه بمناسبت اینکه نسبت به پیشنهاد خروج موقت از ایران بوسیله سفرای آمریکا و انگلستان، شاهنشاه یا اطرافیان واکنش های لازم از خود نشان ندادند؛ و معترض که فرستنده ایمیل بوده است با توضیحاتی، کوتاهی شاهنشاه یا اطرافیان را نوعی اعتراض میهنی و ناسونالیستی تلقی کرده است.

اعتراض ایشان از نظر حق حاکمیت و شئون ملی و نماد سلطنتی موجه است؛ ولی اعتراضی مختومه است و طرح آن، اعتراض را از موقعیت اصلی خارج و تبدیل به تحقیر و انتقامجویی میسازد.

قدری توضیح لازم است

اعتراض از منشاء حق است چه حق متعلق به شخص معترض و یا حقی که متعلق به غیرویا عام باشد ولی وقتی اعتراض در مقام خود جای گرفت یعنی معترض علیه، اعتراض را وارد دانست و یا عذر خواهی کرد و یا غرامت داد (در صورت خاص و رجوع به دادگاه) دیگر اعتراض و موضوع آن مختوم و حکم مختوم بها، را پیدا میکند و طرح مجدد آن نه تنها بی اعتبار بلکه قرینه ای بر کینه توزی و زنده کردن موضوع مختومه است، خاصه به اینکه فاصله زمانی سنگینی هم متوجه آن شده و شخص معترض علیه، هم فوت کرده باشد.

در مورد اعتراض به نقش سفیر آمریکا و انگلستان در مورد مداخله در امور و تصمیم گیری شاهنشاه، شاهنشاه در کتاب پاسخ به تاریخ و مصاحبه ها آنرا پاسخ فرموده اند و پاسخشان چنین است که: «میدانم بیش از حد به آمریکایی ها اعتماد کرده بودم» یعنی اعتراض را وارد دانسته بودند.

کتاب پاسخ بتاریخ برای اینکه پاسخ اعتراضات را داده باشند نوشته شده است؛ و از نظر فلسفی تمام مراتبی که در کتاب پاسخ به تاریخ از سوی شاهنشاه مطرح و جوابگویی شده امور مختومه است، زیرا هم فاصله زمانی و هم نبود معترض علیه، و هم پاسخگویی در کتاب پاسخ به تاریخ جانی برای فصل مجدد آن باقی نمیگذارد.

اعتراض وقتی قائمیت و مشروعیت دارد که سه رکن آن وجود داشته باشد و آن سه رکن عبارت است از رکن اول = معترض، و رکن دوم = معترض علیه، و رکن سوم = زنده بودن موضوع اعتراض، یعنی مشمول مرور زمان نشده و معترض علیه بتواند به اسناد موضوع دسترسی داشته باشد.

اعتراض معترض به موضوعی که نه معترض علیه، آن وجود دارد و نه زمان و موقعیت کنونی امکان طرح سالم اعتراض و جواب رامیده؛ اعتراض محسوب نمیشود ولی البته که از اسباب تحقیر و تنها به قاضی رفتن میشود.